

سیاست پژوهی اشتغال زنان در دولت یازدهم

حسین سوزنچی^۱

سیدمحمدعلی غمامی^۲

فاطمه ملک‌خانی^۳

حدیثه اسفندیار^۴

چکیده

یکی از مباحث چالش برانگیز در عصر جدید، حضور اجتماعی و به‌ویژه، اشتغال بانوان است. دیدگاه برابری‌طلبی در اشتغال، که در ابتدا دست‌یافتنی و منطقی به نظر می‌رسید، درگذر زمان با چالش‌های جدی مواجه گردید. به تدریج مشخص شد برای حضور بانوان در عرصه اشتغال، ملاحظات و برنامه‌ریزی‌های پیچیده‌ای نیاز است تا جامعه با آسیب‌هایی همچون کاهش رشد جمعیت روبرو نشود. گام‌های زیادی در سراسر جهان برای حل چالش‌های به‌وجودآمده شکل گرفت و مسیر تکاملی خود را طی کرد. این پژوهش در نظر دارد با مطالعه عملکرد دولت یازدهم در حوزه اشتغال بانوان، چگونگی برخورد کشورمان با مسئله اشتغال زنان را در این بازه زمانی، مطالعه کند. به این منظور، تعداد سید صفحہ از سخنان خانم شهیندخت مولودری، معاون وقت امور زنان و خانواده دولت یازدهم، به عنوان سخنگوی دولت در حوزه بانوان، مورد تحلیل مضمون قرار گرفت، این سخنان، در پنج سطح: مبانی نظری، دغدغه‌های جاری، چشم‌اندازها، برنامه‌ها و اقدامات دولت، طبقه‌بندی شدند. نتایج پژوهش نشان داد دولت یازدهم بر برابری جنسیتی، اشتغال محوری بانوان و سوق دادن آنان به عرصه‌های اقتصادی و سیاسی تأکید دارد که نقطه مقابل پذیرش نقش‌های جنسیتی، خانواده‌محوری و حضور بانوان در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی است. همچنین ارجاعات مکرر به سند توسعه پایدار یا همان ۲۰۳۰ و پیگیری اهداف و مطالبات آن، عدم ارجاع به اسناد بالادستی و سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری و نداشتن جهت‌گیری به سمت الگوهای بومی و درون‌زا در حوزه اشتغال بانوان، در سیاست‌های دولت یازدهم مشهود است.

واژگان کلیدی: سیاست پژوهی، اشتغال زنان، دولت یازدهم، خانم مولودری، سند توسعه پایدار یا ۲۰۳۰.

۱. دکتری فلسفه و حکمت اسلامی، دانشیار و مدیر گروه مطالعات زنان دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران؛ souzanchi@gmail.com

۲. دکتری فرهنگ و ارتباطات، استادیار و مدیر گروه ارتباطات دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران؛ s.ghamami@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری ارتباطات اجتماعی دانشگاه تهران و طلبه سطح سه مطالعات زنان جامعه الزهرا (ع)، قم، ایران؛ f.malekkhani@ut.ac.ir

۴. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تبلیغ و ارتباطات فرهنگی دانشگاه باقرالعلوم (ع) و استاد همکار مجتمع آموزش عالی بنت الهدی،

قم، ایران؛ Hs_esfandiyar@yahoo.com

مقدمه

دیدگاه برابری طلبی در اشتغال، که در ابتدا دست یافتنی و منطقی به نظر می‌رسید، در گذر زمان با چالش‌های جدی مواجه گردید. به تدریج مشخص شد برای حضور بانوان در عرصه اشتغال، ملاحظات و برنامه‌ریزی‌های پیچیده‌ای نیاز است تا جامعه با آسیب‌هایی همچون کاهش رشد جمعیت روبرو نشود. کشورهایمانند سوئد و فنلاند، مواجهه عیان‌تری با این بحران داشته و برای گذر از آن، قوانینی وضع کرده‌اند. مسائل نوظهوری مانند فشار و تعارض نقش‌ها برای بانوان، تا مدت‌های زیادی، محافل علمی و سیاست‌گذاری را به خود مشغول ساخت. در سراسر جهان، گام‌های گوناگونی برای حل چالش‌های به‌وجودآمده شکل گرفت و مسیر تکاملی خود را طی کرد. از سوی دیگر، بسیاری از طرفداران حقوق زن، که موانع زیادی در مقابل تحقق برابری میان زن و مرد در اشتغال می‌دیدند، خواستار برقراری تبعیض مثبت شدند تا آرمان برابری با سرعت بیشتری تحقق یابد و محدودیت‌های بانوان، مانع رشد آنان نشود. در این میان، کشورمان ایران، سیاست‌های متنوعی به خود دیده است. در سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۸۳ مهم‌ترین دغدغه دولت‌ها، مشارکت اجتماعی زنان و تقویت نقش آنان در جامعه بود. برنامه چهارم بر اساس جنسیت و توسعه تهیه شد و به سمت حساسیت جنسیتی و سیاست تبعیض مثبت حرکت کرد. در این برنامه، که برخی موارد آن از سند پکن اخذ شده، مهم‌ترین دغدغه، موضوع اشتغال زنان و ارتقای جایگاه اقتصادی آنان در جامعه است.

چند سال بعد، در دولت‌های نهم و دهم، تلاش‌ها بر این موضوع معطوف شد که الگویی در حوزه اشتغال زنان طراحی گردد تا زن بتواند با اولویت‌بخشی به مسئولیت‌های خانواده، در صورت لزوم یا تمایل، در این حوزه نیز مشارکت داشته باشد. بر اساس این دیدگاه، موضوع بیمه زنان خانه‌دار، اشتغال نیمه‌وقت، کاهش ساعت کاری زنان شاغل و افزایش مرخصی زایمان، به عنوان سیاست‌های حمایتی، مورد توجه قرار گرفت. تأکید بر تعریف نقش زنان در بستر خانواده، گسترش فرهنگ عفاف و حجاب در جامعه و ترویج آن در ادارات و محیط‌های شغلی، آموزش و گسترش اشتغال زنان متناسب با نقش‌های جنسیتی، توجه به برنامه‌ها و سیاست‌ها در راستای ایجاد تعادل میان اشتغال و نقش‌های خانگی زنان، بخشی از مهم‌ترین

گزاره‌های گفتمانی دولت (نهم و دهم) در این زمینه است. (استیری و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۱۷۱-۱۷۲). آمارها در این دوره، حکایت از کاهش ۱۴٫۲ درصدی تعداد شاغلان زن دارد و به طور متوسط سالانه حدود ۱۰۰ هزار زن از چرخه اشتغال خارج شدند. همچنین بر اساس آمارهای موجود، نرخ بیکاری زنان در این بازه زمانی، سه درصد افزایش یافت (تحولات کمی و کیفی اشتغال زنان در دوره پنج‌ساله ۱۳۸۸-۱۳۹۲، گزارش مرکز آمار ایران، ۱۳۹۳، ص ۱-۲). به عقیده برخی، قوانین مصوب، با ایجاد محدودیت‌هایی برای بانوان در مشاغل دولتی، آنان را به مشاغل غیر رسمی سوق داد. (کریمی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۳ به نقل از استیری و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۱۷۷)

این پژوهش به دنبال فهم جهت‌گیری دولت یازدهم و اقدامات آن در حوزه اشتغال بانوان و ارزیابی شرایط موجود است.

۱. پیشینه

پژوهش‌های زیادی با محوریت اشتغال زنان صورت گرفته است تا جایی که رسیدن به آمار دقیقی از آن دشوار می‌نماید. این مسئله، سالیان دراز، دغدغه صاحب‌نظران حوزه‌های مختلف علوم انسانی و حتی علوم تجربی و مهندسی را به خود معطوف ساخته است. با این وجود، «سیاست پژوهی» اشتغال زنان، درصد کمی از پژوهش‌ها را به خود اختصاص داده است. نوروزی (۱۳۸۲) در پژوهشی، به نقد و بررسی برنامه سوم توسعه^۱ می‌پردازد. وی در قسمتی از مقاله، به این مسئله اشاره می‌کند که قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، فقط در ماده ۵۶ به صورت خاص از زنان نام می‌برد؛ به این صورت که زنان بیکار سرپرست خانوار، در اولویت دریافت تسهیلات خوداشتغالی قرار دارند. وی در نهایت،

۱. برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، به مجموعه برنامه‌های میان‌مدتی گفته می‌شود که به صورت ۵ ساله و توسط دولت وقت تنظیم می‌شود و به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد.

برنامه اول توسعه: ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲

برنامه دوم توسعه: ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸

برنامه سوم توسعه: ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳

برنامه چهارم توسعه: ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸

برنامه پنجم توسعه: ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴

برنامه ششم توسعه: ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰

سیاست‌های دولت در حوزه اشتغال بانوان را در این برنامه، مناسب و کاربردی ارزیابی نمی‌کند. مرکز آمار و اطلاعات راهبردی، در پژوهشی با عنوان «تحولات کمی و کیفی اشتغال زنان در دوره پنج‌ساله ۱۳۸۸-۱۳۹۲» ضمن ارائه گزارشی از اشتغال زنان، به تحلیل وضعیت این دوره می‌پردازد و بر همین اساس، افت شاخص‌های بین‌المللی را در این حوزه در کشور نشان می‌دهد.

ابراهیمی (۱۳۹۲) با بررسی تطبیقی سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران و اسناد بین‌المللی، نتیجه می‌گیرد وضعیت زنان دست‌کم در عرصه وضع قوانین، بهبود یافته است و مطابقت زیادی با استانداردهای بین‌المللی دارد. وی امیدوار است در صورت اجرای دقیق بیمه زنان خانه‌دار، افزایش زمان مرخصی زایمان مادران به نه ماه و همسر آنان تا دو هفته، همچنین بیمه فرزندان چهارم و بعد از آن، با در نظر گرفتن مهد کودک برای مادران شاغل، ساعت شیردهی و پیگیری مستمر بر اجرای آن، شاهد بهبود و ارتقاء وضعیت زنان باشیم. (ابراهیمی، ۱۳۹۲، ص ۲۰۴)

ارحامی (۱۳۹۱) در مقاله «سیاست‌های دولت‌ها در رابطه با اشتغال زنان و تکریم خانه‌داری»، به چگونگی شکل‌دهی سیاست‌ها به علایق و خواسته‌های بانوان می‌پردازد. او با اشاره به دو نوع سیاست برای ترویج مدل مطلوب، یکی را سیاست‌های تشویقی و دیگری را سیاست‌های حمایتی معرفی می‌کند. برای مثال، زمانی که فقط هفت درصد از زنان سوئد گفته بودند دوست دارند تمام وقت کار کنند و ۵۳ درصد از آنان مایل به کارکردن بیرون از منزل نبودند، سیاستمداران القا کردند که درخانه ماندن زنان، خیانت به دولت به شمار می‌رود و همین مسئله، موجب رشد روزافزون اشتغال بانوان در این کشور شد. وی با تأکید بر اینکه سیاست‌های دولت‌ها در کشور ایران، چه در بعد تشویقی و چه در بعد حمایتی، بیشتر بر اشتغال بانوان متمرکز شده تا خانه‌داری، این مسئله را موجب رشد روزافزون اشتغال بانوان در کشور می‌داند.

کاردوانی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی راهبردهای سیاست اشتغال در حوزه مادری در جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد سیاست‌های موجود، تا حد زیادی با مادری در تعارض است و راهکار حمایتی از مادران برای تصدی شغل

یا حفظ آن صورت نمی‌گیرد. همین مسئله، زنان را به مجرد یا عدم تمایل به فرزندآوری سوق داده است. این تحقیق همچنین نشان می‌دهد میان سیاست‌های کلان نظام با سیاست‌های اجرایی، اختلاف زیادی وجود دارد. برای مثال با وجود آنکه در سیاست‌های کلی نظام، بر «ارزش‌گذاری مادی برای شغل خانه‌داری و شغل مادرانه زنان» تأکید شده، این مسئله از دید مجریان مغفول مانده است. زنان شاغل، در مدت مرخصی زایمان، در مقابل انجام وظیفه مادری و اقدام به شیردهی، حقوق و مزایای کامل دارند، اما مادران خانه‌دار غیر شاغل، از این مزایای اقتصادی بهره‌ای نمی‌برند. این پژوهش همچنین نشان می‌دهد قانون‌گذار، به گروه «مادران نخبه»، در هیچ سیاست اجرایی توجه نکرده است و در آیین‌نامه‌ها و سیاست‌های مربوط به بنیاد ملی نخبگان نیز هیچ‌گونه تسهیلی درباره ایفای نقش مادری هم‌زمان با فعالیت‌های نخبگانی لحاظ نشده است.

تاج مزینانی و یاسری (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با بررسی سیاست‌های اشتغال زنان نشان می‌دهند بسیاری از سیاست‌های کلان نظام، تعریف عملیاتی ندارند و در مقام اجرا، اثری از آن دیده نمی‌شود. به طور مثال، مواردی مانند وظایف اجتماعی زنان - که مقوله‌ای فراتر از اشتغال است - و مفاهیمی مانند قداست مقام مادری، نیازمند تعریف اجرایی هستند. همچنین بسیاری از قوانین موجود در مورد اشتغال بانوان، یکدیگر را نقض می‌کنند. برخی نیز مانند مرخصی زایمان و شیردهی، به دلیل عدم وجود ضمانت اجرایی و بار مالی، در بسیاری موارد توسط کارفرما نقض می‌شود.

در نهایت، نزدیک‌ترین پژوهش به مقاله پیش رو، «جایگاه اشتغال زنان در سیاست‌های کلان کشور بعد از انقلاب اسلامی» است. استیری و همکاران (۱۳۹۸) در این مقاله با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی، گفتمان دولت‌های پس از انقلاب را با یکدیگر مقایسه می‌کنند. این پژوهش نشان می‌دهد یک جانیه‌نگری دولت‌ها - چه آنهایی که طرفدار خانواده‌محوری بوده‌اند و چه آنان که با شعار توانمندسازی زنان و برابری جنسیتی جلو آمدند - در اتخاذ سیاست‌ها و عملکردشان سبب شده قوانین هیچ‌یک، به اشتغال صحیح بانوان کمک نکند. این پژوهش‌ها حکایت از تنوع جهت‌گیری دولت‌ها به مسئله اشتغال زنان دارند. آنها

همچنین نشان می‌دهند در بسیاری موارد، در مقام اجرا، اثری از سیاست‌های کلان نظام و سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری، که خاصیت یکپارچه‌کنندگی دارند، دیده نمی‌شود. حتی در برخی موارد، تعارض میان سیاست‌های کلان و عملکردها مشاهده می‌شود. همین مسئله، لزوم پرداخت به این سیاست‌ها را بیشتر کرده است. البته سیاست‌های اشتغال بانوان در غالب این پژوهش‌ها، با مراجعه به قوانین وضع شده و عملکرد دولت‌ها صورت گرفته است و کمتر به مبانی نظری و چشم‌اندازها پرداخته شده است؛ درحالی‌که توجه به این دو مورد، به روشن شدن ابعاد تازه‌ای از سیاست‌ها و اتخاذ رویکرد صحیح مبتنی بر آینده‌پژوهی کمک خواهد کرد. از سوی دیگر، تنها در یک مورد شاهد پرداخت به سیاست‌های دولت یازدهم هستیم که آن نیز به بیان موارد کلی درباره عملکرد دولت یازدهم، یعنی رویکرد اشتغال محور این دولت بسنده کرده است. پژوهش پیش رو از این جهت با مقاله مذکور متفاوت است که سعی دارد ابعاد مختلف عملکردهای دولت را روشن سازد و کلان‌گفتمان حاکم بر این عرصه را مشخص نماید.

۲. مبانی نظری

مطالعات نشان می‌دهد خاستگاه اصلی نظریات و پژوهش‌های حوزه اشتغال بانوان، محل تلاقی نظریات توسعه و نظریات فمینیستی است. نظریات توسعه، در قالب دو الگوی عمده خلاصه می‌شوند: نظریات نوسازی، که بر مدرنیزاسیون متمرکز هستند و نگاه داخلی به توسعه دارد و نظریات وابستگی، که تأثیر امپریالیسم جهانی و اقتصاد بین‌الملل را بر فرآیند توسعه کشورها، مورد بررسی قرار می‌دهد. (کاظمی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۴۱)

نظریه‌های فمینیستی، نظریاتی هستند که رویکردی هنجاری و جانب‌دارانه نسبت به زنان را با تبیین جنسیت و مسائل مربوط به آن ترکیب می‌کنند. این نظریه‌ها برحسب یک دسته‌بندی رایج، به سه دسته لیبرال، سوسیال و رادیکال تقسیم شده‌اند. (بستان، ۱۳۹۴، ص ۱۱)

نظریات توسعه در ابتدا مردم‌محور بودند و توجه خاصی به حوزه زنان نداشتند. ورود موضوعات زنان به مطالعات توسعه، محصول رهیافت‌های فمینیستی است. این رهیافت‌ها، نقش زنان در توسعه را در سه دسته اصلی قرار می‌دهند: ۱. زنان در توسعه، ۲. زنان و توسعه،

۳. جنسیت و توسعه، گروه «زنان در توسعه»، در چارچوب الگوی توسعه قرار می‌گیرند و گروه «زنان و توسعه»، در الگوی نظریه وابستگی. «جنسیت و توسعه» نیز تحلیل روابط قدرت در فرایند توسعه را مورد توجه خود دارد. (مامسن، ۱۳۸۷ به نقل از کاظمی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۴۲).

۲.۱. زنان در توسعه

مبانی این رویکرد، برگرفته از فمینیسم لیبرالی و نظریه نوسازی است. لیبرال‌ها، عامل اصلی فرودستی زنان را محدودیت‌های قانونی و فرهنگی ای می‌دانند که جامعه در برابر ارتقای جایگاه زنان، ایجاد کرده است (بستان، ۱۳۹۴، ص ۱۲). رویکرد زنان در توسعه، به تغییر بنیادین در ساختارهای موجود اجتماعی اعتقاد ندارد، بلکه با حفظ ساختارهای موجود، در پی افزایش مشارکت زنان در برنامه‌ریزی‌های توسعه و اقتصاد است و به نوعی، اولویت را با اقدامات اصلاحی می‌داند. رسیدن به برابری فرصت‌ها در «اشتغال» و «آموزش»، از اهداف این رویکرد است. در دل این نگاه، سه رویکرد متفاوت شامل: رویکرد رفاه، رویکرد ضد فقر و رویکرد کارایی شکل گرفت. در دو رویکرد اول، زن، خدمات‌گیرنده و منفعل تصور می‌شود و در رویکرد سوم، هرچند بر مهارت‌افزایی تأکید می‌شود، ولی در عمل، تغییر چندانی در بهبود وضعیت زنان در بازار کار حاصل نمی‌شود.

۲.۲. زنان و توسعه

این دیدگاه، در پس ناکامی دیدگاه اول شکل گرفت. رویکرد زنان و توسعه، مبتنی بر فمینیسم نئومارکسیستی است که هدف اساسی آن، تغییر ساختارهای ناعادلانه است. رویکرد «زنان و توسعه» مانند رویکرد قبلی، بر کارهای تولیدی زنان تمرکز داشت نه کارهای بدون دستمزد. اما این نظریه، خواستار تغییرات بنیادین در سیاست‌گذاری اشتغال زنان بود و اصلاحات روبنایی را کارآمد نمی‌دانست. در این رویکرد، «توانمندسازی» زنان، عامل قدرت انتخاب آنها و کنترلشان بر منابع معرفی می‌شود. این رویکرد، با نفی تبعیض علیه زنان، بر «برابری جنسیتی» تأکید دارد، آن هم برابری در هر سه عرصه فردی، خانوادگی و اجتماعی؛ لذا فعالیت‌هایی همچون

حساسیت جنسیتی و تبعیض مثبت را در زمینه اشتغال زنان لازم می‌دانند. این رویکرد، برابری زن و مرد را در تشابه آنها می‌بیند.

۲.۳. جنسیت و توسعه

این نظریه، بر اساس اندیشه فمینیسم سوسیالیستی و پست مدرن، به ادبیات توسعه راه یافت (زارعان و برزگر، ۱۳۹۷، ص ۹۵-۹۹). فمینیست‌های سوسیالیست مدعی‌اند که نظام تقسیم کار جنسیتی و محدودکردن زنان به قلمرو کار خانگی و ایفای نقش مادری، در راستای منافع اقتصاد سرمایه‌داری صورت گرفته است (مهدی‌زاده، ۱۳۹۳، ص ۱۵۴). در رویکرد جنسیت و توسعه، تفاوت‌های زن و مرد در مناسبات قدرت، برخاسته از تفاوت‌های جنسیتی است نه بیولوژی متفاوت آنها. این رویکرد در نظر دارد تأثیر این تفاوت‌ها را در نابرابری قدرت نشان دهد و درصدد حذف نگرش‌های جنسیتی (که عامل فرودستی زنان هستند) برآید. در این دیدگاه، عدالت در سایه برنامه‌ریزی‌هایی با حساسیت جنسیتی تحقق می‌یابد. (زارعان و برزگر، ۱۳۹۷، ص ۹۵-۹۹)

مکاتب	زنان در توسعه	زنان و توسعه	جنسیت و توسعه
رهیافت	بررسی عدم حضور زنان در طرح توسعه	طرح‌هایی با مرکزیت زنان	بررسی رابط نابرابر در توسعه
توجه	زنان	زنان	روابط اجتماعی متعارف
مشکلات	حذف زنان از فرایند توسعه	سلطه مردان بر فرایند توسعه	رابطه نابرابر در توسعه
اهداف	توسعه کارآمدتر شامل زنان	توسعه کارآمدتر شامل حذف مردان	توسعه متعادل با زنان و مردان
راه حل	الحاق زنان در توسعه	تمرکز بر طرح‌های جمعی زنان	دگرگون کردن روابط نابرابر
راهبرد	افزایش توانایی زنان برای مراقبت از خانواده، افزایش قابلیت تولیدی زنان و تمرکز بر طرح‌های زنان	توان بالاقوه طرح‌های جمعی زنان و افزایش توانایی زنان برای مراقبت از خانواده، کاهش دخالت مردان و افزایش درآمد زنان	توجه به منافع راهبردی زنان فقیر، در نظر گرفتن نابرابری جنسیتی و پرداختن به نیازهای عملی و انضمامی زنان

(کاظمی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۴۴)

۳. روش تحقیق

در این پژوهش، بر سخنان شهیندخت مولوردی، به عنوان بالاترین شخصیت حقوقی دولت یازدهم در حوزه بانوان، که آگاهی جامعی از سیاست‌ها و اهداف دولت در این زمینه داشته - صرفاً در دوران تصدی ایشان - تمرکز شده است. به منظور راستی‌آزمایی جهت‌گیری‌ها، در آغاز کار، سخنان شخص ریاست جمهوری وقت با خانم مولوردی مقایسه شد و در این حوزه مشخص، اختلاف نظری دیده نشد.

در نهایت، سیصد صفحه از سخنان خانم مولوردی - از منابع معتبری همچون: پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، پایگاه معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، خبرگزاری‌های ایسنا، ایرنا، فارس و آفتاب، که سخنرانی‌های ایشان را در مدت تصدی معاونت امور زنان و خانواده پوشش داده بودند - استخراج شده و مورد تحلیل مضمون قرار گرفت.

با توجه به تنوع روش‌های به‌کاررفته در تحلیل مضمون و تنوع دیدگاه صاحب‌نظران، عناوین و طبقه‌بندی‌های مختلفی برای مضامین وجود دارد. برخی پژوهشگران، مضامین را به لحاظ ماهیت و برخی دیگر به لحاظ جایگاه و سلسله‌مراتب آنها در تحلیل مضمون، دسته‌بندی کرده‌اند (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۵۹). در این پژوهش، از مدل زیر برای کدگذاری استفاده شده است.

فراگیر	در کانون شبکه مضامین قرار می‌گیرد.	جایگاه مضمون در شبکه مضامین
سازمان‌دهنده	واسط مضامین فراگیر و پایه شبکه است.	
پایه	مبین نکته مهمی در متن است و با ترکیب آنها، مضمون سازمان‌دهنده ایجاد می‌شود.	

(همان)

مضامین یا الگوهای داده‌ها را می‌توان به روش استقرایی (مبنی بر داده) و روش قیاسی (مبنی بر نظریه) شناخت (patton, 1990:85 به نقل از عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۷۴). در این پژوهش، به شیوه استقرایی، ۵ مضمون فراگیر و ۲۵ مضمون سازمان‌دهنده و بیش

از صد مضمون پایه استخراج شد. مضامین فراگیر، مبانی نظری، دغدغه‌های جاری، چشم‌اندازها، برنامه‌ها و اقدامات عملی و در نهایت، تحلیل‌های خانم مولاوردی از اشتغال بانوان هستند.

البته در برخی موارد ممکن است میان مبانی نظری، دغدغه، چشم‌انداز یا اقدامات، اشتراکاتی وجود داشته باشد که مربوط به تصریحات خانم مولاوردی است، یعنی به طور مثال، در یک جا یک مسئله، دغدغه دولت عنوان شده است و در جایی دیگر، اقدام دولت یا چشم‌انداز آن.

۴. یافته‌ها

برای نشان دادن جایگاه و سهم اشتغال زنان در فعالیتهای دولت یازدهم در حوزه بانوان و همچنین فهم رابطه میان اشتغال بانوان و سایر حوزه‌های مربوط به بانوان، فعالیتهای دولت در حوزه زنان به مثابه یک کل، مورد رصد قرار گرفت و این پژوهش در یک نمای کلان نشان داد مسئله اشتغال زنان در فعالیتهای دولت یازدهم، در حوزه قانون، نقش محوری دارد و به سایر فعالیتهای نیز جهت می‌دهد. در شبکه‌های مضمونی، که در ادامه بیان می‌شود، جزئیات بیشتری از این رویه عرضه خواهد شد.

۴.۱. مضمون فراگیر اول: مبانی نظری

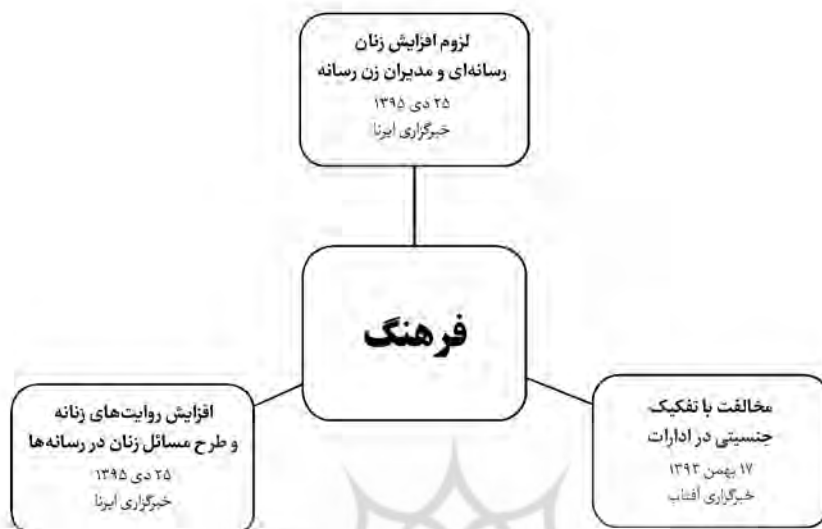
در این قسمت، آنچه بیشتر جنبه نظری اقدامات و جهت‌گیری‌های دولت را روشن می‌سازد، شناسایی و طبقه‌بندی شده است و در نهایت، مباحث ذیل پنج مضمون سازمان‌دهنده قرار گرفتند.



نمودار شماره (۱) شبکه مضامین مبانی نظری در حوزه اقتصاد



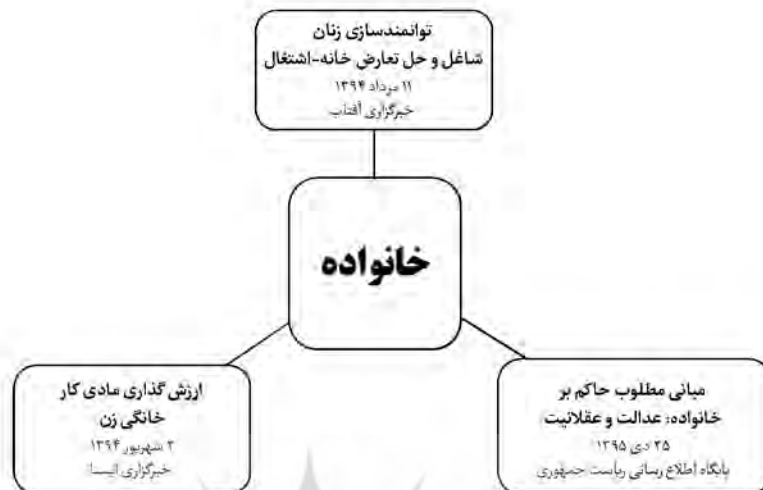
نمودار شماره (۲) شبکه مضامین مبانی نظری در حوزه سیاست



نمودار شماره (۳) شبکه مضامین مبانی نظری در حوزه فرهنگ



نمودار شماره (۴) شبکه مضامین مبانی نظری در حوزه اجتماع



نمودار شماره (۵) شبکه مضامین مبانی نظری در حوزه خانواده

کلیدواژه‌های اساسی که در این حوزه‌ها مشترک به کار برده شده و حاکی از مبانی نظری حاکم بر گفتمان دولت هستند، در ادامه معرفی می‌شود.



نمودار شماره (۶) مضامین اصلی مبانی نظری دولت در حوزه اشتغال بانوان

عدالت جنسیتی: مولوردی با اشاره به اینکه ما در حوزه زنان، با چالش‌هایی مواجه هستیم که جز با اتخاذ رویکرد عدالت‌مدارانه نمی‌توان بر این چالش فائق آمد، می‌گوید: به نظر می‌رسد اتخاذ رویکرد برابری جنسیتی به معنی دسترسی عادلانه به منابع و فرصت‌ها می‌تواند کمکی در این مسیر باشد (۱۹ دی ۱۳۹۵، خیرگزاری ایرنا). مولوردی با اشاره به برنامه سازمان ملل در زمینه ایجاد برابری جنسیتی در همه زمینه‌ها، سخن از برابری، در شرایطی که زنان و مردان برابر نیستند، را سبب تعمیق نابرابری جنسیتی می‌داند و می‌گوید: بنابراین ما به موضوع عدالت جنسیتی می‌پردازیم و تلاش می‌کنیم در جهت تبعیض مثبت برای زنان عمل کنیم (۱۸ فروردین ۱۳۹۴، خیرگزاری ایسنا). در این معنا، عدالت به معنای در نظر گرفتن کفه سنگین‌تر به نفع بانوان خواهد بود و فراتر از برابری عینی زن و مرد است.

تبعیض مثبت: تبعیض مثبت که گاه آن را عمل مثبت نیز نامیده‌اند، به گروهی از ساختارها، چهارچوب‌ها و دستورالعمل‌های قانونی و اشکال اجرایی و عملی اطلاق می‌شود که می‌توانند به طور دائم و یا در دوره‌های خاص به کار گرفته شوند تا یک گروه اجتماعی، سیاسی، دینی و جنسیتی خاص را از موقعیت نامطلوب نسبت به کل جامعه مربوطه خارج کرده و به صورتی شتاب‌یافته، امکانات رشد و شکوفایی بیشتری به آن بدهند (فکوهی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۶). یکی از ملزومات عملی آن در حوزه اشتغال زنان، اختصاص درصد خاصی از مناصب حساس به بانوان است.

توانمندسازی: راهکاری است که «رویکرد توسعه و قابلیت‌های بشری»، «اهداف توسعه هزاره» و سیاست‌های سازمان ملل برای رسیدن به برابری جنسیتی ارائه می‌دهند. رویکرد توانمندسازی با تأکید بر مفهوم جنسیت و آرمان برابری، بر جنبه‌های گوناگون شخصیت و زندگی زن نظر دارد و به نقش زن در خانواده و به طور خاص، مادری، صرفاً در کنار نقش‌های دیگری توجه می‌کند. نظریه توانمندسازی به دنبال از میان برداشتن نقش‌های متفاوت مبتنی بر جنسیت تا حد ممکن است. (مزینانی، ۱۳۹۶، ص ۴۹ به نقل از استیری و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۱۶۵)

سقف شیشه‌ای: اصطلاح سقف شیشه‌ای برای اولین بار توسط مجله وال استریت در سال ۱۹۸۶ به منظور تشریح موانع نامرئی که زنان را از پیشرفت به طرف مشاغل بالاتر متوقف

می‌کند، وضع شد. اداره کل ایالات متحده آمریکا، سقف شیشه‌ای را این‌گونه تعریف می‌کند: آنها مواضع مصنوعی (ساختگی) مبتنی بر تعصبات نگرشی یا سازمانی، جهانی یا مالی هستند که افراد واجد شرایط را در سازمان‌هایشان از پیشرفت به سمت بالا در مقام‌های مدیریتی باز می‌دارند (عبداللهی، ۱۳۸۱، ص ۱۸۹). خانم مولوردی یکی از موانع عمده فعالیت بانوان و رسیدن آنان به مشاغل حساس را سقف شیشه‌ای می‌داند که باید رفع گردد. (۲۳ آذر ۱۳۹۵، خبرگزاری ایستا)

شکاف جنسیتی: «شاخص جهانی جنسی»، یک شاخص مقایسه‌ای میان دو جنس است که برای اولین بار در سال ۲۰۰۶ توسط انجمن جهانی اقتصاد معرفی شده است و از چهار زیربخش: مشارکت و فرصت‌های اقتصادی (با مؤلفه‌هایی مانند مشارکت زنان و مردان در نیروی کار، میزان درآمدهای متوسط هر جنس، درصد هر جنس در مشاغل رده بالا و رده پایین)، دستاوردهای آموزشی (با مؤلفه‌هایی مانند نرخ سواد و موقعیت آموزشی زنان در سطوح اولیه، ثانویه و سطح دانشگاهی)، بهداشت و طول عمر و توانمندسازی سیاسی (تعداد زنان در مجلس و کابینه و میزان واقعی حضور زنان در این پست‌ها) تشکیل شده است (۶ بهمن ۱۳۹۵، خبر آنلاین). خانم مولوردی با اشاره به آمار جهانی، اوضاع ایران را از لحاظ شکاف جنسیتی، بفرنج عنوان می‌کند.

فقه پویا: معاون وقت امور بانوان ریاست جمهوری با اشاره به اینکه در دنیای امروز، برخی از گزاره‌های دینی برای زنان، پاسخگو نیست، گفت: این گزاره‌ها متناسب با زمان خودش بوده و در حال حاضر، چالش‌های زیادی با دنیای مدرنیته به وجود آورده است (۱۲ خرداد ۱۳۹۴، خبرگزاری آنا). به عقیده وی برای رسیدن به برابری در قوانین و استیفای حقوق زنان، نیاز به تطبیق فقه با شرایط روز وجود دارد. (۱۵ مهر ۱۳۹۴، خبرگزاری ایکننا)

فمینیست پست‌مدرن: آنها با تأکید بر اصل تفاوت انسان‌ها، معتقدند که باورهای جهان‌شمول و فراانسانی یا حکایت‌های برتر، نه تنها غیر قابل قبول و دسترس هستند، بلکه خود بنیانگذار ستم‌های جدید علیه زنان خواهند بود. به نظر این گروه، نه نقش ازدواج و نقش مادری، بلکه دسته‌ای از روابط تحمیل شده بر زنان، موجب بردگی آنها شده است. علت زیر سلطه رفتن زنان، وجود رفتارهایی است که از بدو تولد میان دختر و پسر، تفاوت و تفارق

ایجاد می‌کند. آنان نظریه «مردان و زنان با تعاریف جدید» را پیشنهاد می‌کنند و به تشابه حقوق زن و مرد در خانواده و محیط اجتماعی اعتقاد دارند (سجادی، ۱۳۸۴، ص ۱۶). مولاوردی با اشاره به اینکه برخی او را فمینیست می‌خوانند، می‌گوید: همه اشکال فمینیست بد نیست و او می‌تواند فمینیست پست‌مدرن که به ارزش‌های خانواده اهمیت می‌دهند، باشد. (۲۴ اسفند ۱۳۹۴، خبرگزاری آفتاب)

زنانه شدن فقر: این اصطلاح را نخستین بار دیانا پیرس، جامعه‌شناس آمریکایی به کار برد. پژوهشگران بعدی استدلال کردند که ادغام جهان سوم در اقتصاد جهانی، منجر به زنانه‌تر شدن فقر در این کشورها و همچنین موجب افزایش محرومیت‌های زنان شده است. مثلاً کاهش درآمد، دسترسی کمتر به امکاناتی همچون زمین و کاهش اختیارات قانونی زنان جهان سوم، آنان را فقیرتر و به مردان وابسته‌تر ساخته است. (ویکی‌پدیا، واژه زنانه‌شدن فقر)

توسعه: آنچه در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم و دهه‌های شصت و هفتاد قرن بیستم میلادی تحت عنوان «توسعه» به طور جدی مطرح گردید در واقع به معنای «بسط مدرنیزاسیون» به جهان غیر غربی و در میان ملل و مردم آسیایی و آفریقایی بود (زرشناس، ۱۳۹۳، ص ۹۷). خانم مولاوردی، اسناد توسعه را به‌عنوان راهنمای دولت برای اتخاذ سیاست‌های مناسب در اشتغال زنان معرفی می‌کند و همواره به آن ارجاع می‌دهد.

سند توسعه و شاخص‌های توسعه: اولین سند توسعه، سند توسعه هزاره است که آرمان سوم آن، گسترش و ترویج برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان عنوان شده است. طبق این سند، برای رسیدن به برابری، اختلاف جنسیتی در موارد زیر باید رفع گردد:

۱. آموزش ابتدایی و متوسطه، بهتر از سال ۲۰۰۵ و رسیدن دختران به تمام مراحل تا سال ۲۰۱۵ م
۲. نسبت دختران به پسران در آموزش ابتدایی، متوسطه و عالی
۳. سهم زنان در درآمدهای حاصل از اشتغال، در بخش‌هایی به جز کشاورزی
۴. نسبت صندلی‌های زنان در مجلس ملی.

سند بعدی، سند توسعه پایدار یا همان ۲۰۳۰ است که بند پنجم آن مربوط به برابری جنسیتی

و توانمندسازی زنان است. در ادامه، برخی مفاد آن بیان می‌شود:

۱. پایان دادن به همه اشکال تبعیض علیه تمام زنان و دختران در همه جا. یکی از شاخص‌ها: وجود تبعیض یا عدم تبعیض در حقوق وراثتی علیه زنان و دختران.
۲. از میان بردن کلیه اشکال خشونت علیه همه زنان و دختران در عرصه عمومی و فضای خصوصی از جمله قاچاق و سایر اشکال سوء استفاده جنسی و غیره.
۳. از میان برداشتن تمام رفتارهای مضر مانند ازدواج کودکان (قبل از ۱۸ سال)، در سن کم و اجباری و ختنه دختران.
۴. به رسمیت شناختن و تعیین بها برای مراقبت‌های بدون دستمزد و کارهای خانگی از طریق تصویب سیاست‌های ساختاری و وضع قوانین حمایت اجتماعی، خدمات عمومی و ارتقاء مسئولیت مشترک درون خانوار و خانواده متناسب با شرایط ملی.
۵. تضمین مشارکت و فراهم شدن فرصت‌های برابر (با مردان) برای رهبری در تمام سطوح تصمیم‌گیری در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و زندگی اجتماعی برای زنان. یکی از شاخص‌ها: نسبت کرسی‌های زنان در دولت‌های محلی.
۶. تضمین دسترسی جهانی به حقوق جنسی و بهداشت باروری، آن‌چنان‌که در برنامه اجرایی «اجلاس جمعیت و توسعه قاهره» و «سکوی اقدامات پکن» و اسناد نهایی حاصل از اجلاس‌های تجدید نظر درباره آنها آمده است. برخی شاخص‌ها:
الف) درصد زنانی که در مورد سلامتی و باروری و حقوق باروری خود بر حسب سن، موقعیت، درآمد، عدم صلاحیت و دیگر موارد متناسب با شرایط هر کشور تصمیم‌گیری می‌کنند.
ب) مقررات و قوانینی که صرف نظر از وضعیت تأهل، حق انتخاب آگاهانه برای همه زنان و نوجوانان را در ارتباط با موضوع سلامت جنسی و باروری و حقوق باروری تضمین می‌کند.
۷. انجام اصلاحاتی برای دادن حقوق مساوی به زنان درباره منابع اقتصادی و همچنین دسترسی به مالکیت و کنترل بر زمین و سایر اشکال دارایی، خدمات مالی، ارث و منابع طبیعی طبق قوانین ملی.

۸. ارتقاء استفاده از فناوری‌های توانمندساز، به‌ویژه «فناوری ارتباطات و اطلاعات» برای پیشبرد توانمندی زنان.

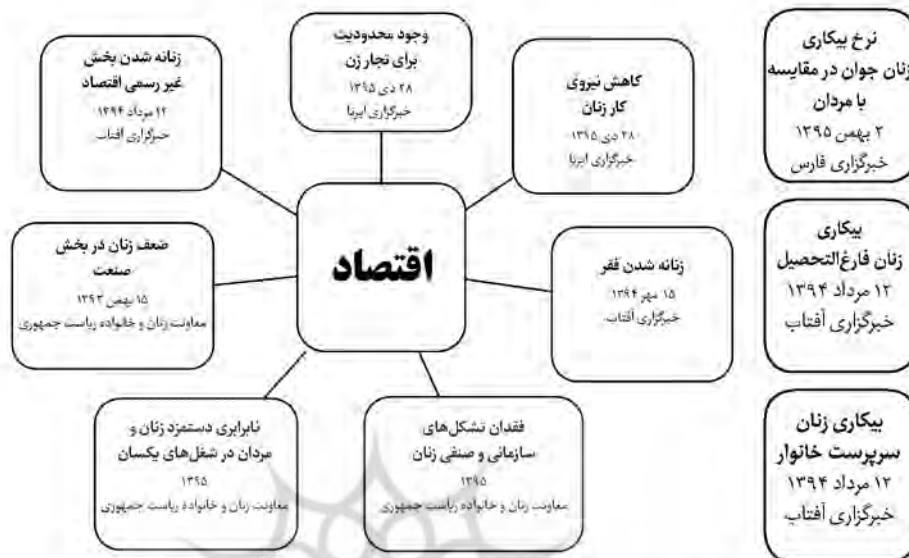
۹. تقویت و اتخاذ سیاست‌های مؤثر و قوانین قابل اجرا برای پیشبرد تساوی جنسیتی و توانمندسازی همه زنان و دختران در کلیه سطوح، تقویت و اتخاذ سیاست‌های مؤثر و قوانین قابل اجرا برای پیشبرد تساوی جنسیتی و توانمندسازی همه زنان و دختران در تمام سطوح.

خانم مولوردی برای سنجش سیاست‌های کشور در حوزه اشتغال بانوان، به برخی سازمان‌ها مانند «مجمع جهانی اقتصاد»، «بانک جهانی» و «سازمان ملل» ارجاع داده است که همگی در راستای سند توسعه پایدار و ۲۰۳۰ وظایفی را بر عهده گرفته‌اند. برای مثال یکی از فعالیت‌های بانک جهانی در شبکه زنان ۲۲ کشور عرب‌زبان از ۵ سال پیش تاکنون (۱۳۹۴)، برنامه‌هایی چون آموزش حسابداری، اعتبارات خرد، توانمندسازی زنان از طریق آموزش مهارت‌ها، تنظیم خانواده و حفظ محیط زیست بوده است (زعفرانچی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۴۹). سازمان ملل نیز اجلاس بین‌المللی جمعیت و توسعه در قاهره مصر در سپتامبر ۱۹۹۴ و کنفرانس چهارم جهانی زنان در پکن چین در سپتامبر ۱۹۹۵ که خواستار تسریع اجرای توافقنامه‌های تاریخی کنفرانس سوم جهانی زنان شد را در کارنامه خود دارد (ویکی پدیا، سازمان ملل) که نقدهای زیادی متوجه هر دوی آنها است.

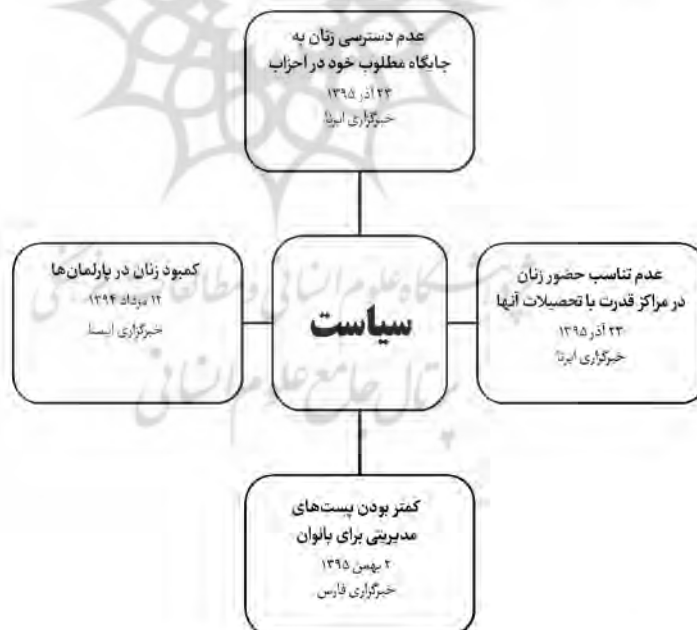
ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۴.۳. مضمون فراگیر دوم: دغدغه‌ها

پس از مشخص شدن مبانی نظری، دغدغه‌های دولت وقت در حوزه بانوان مورد بررسی قرار گرفتند و موارد ذیل، حاصل جمع‌آوری آن چیزی است که خانم مولوردی به عنوان دغدغه تصریح کرده است.



نمودار شماره (۷) شبکه مضامین دغدغه‌های دولت در حوزه اقتصاد



نمودار شماره (۸) شبکه مضامین دغدغه‌های دولت در حوزه سیاست



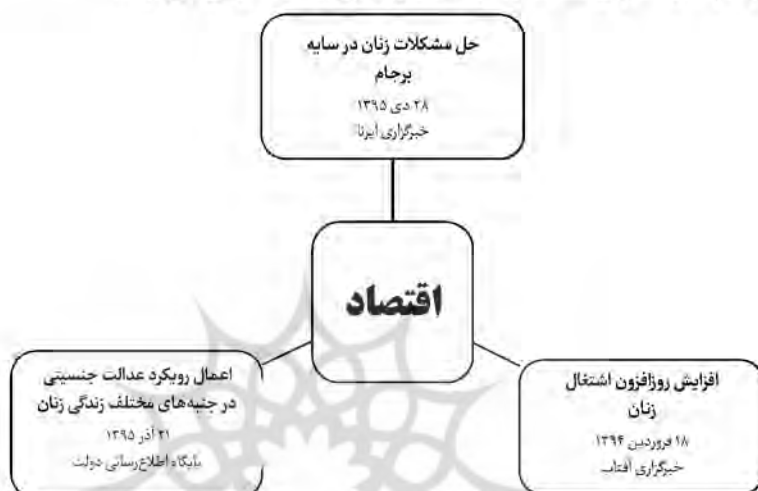
نمودار شماره (۹) شبکه مضامین دغدغه‌های دولت در حوزه اجتماع



نمودار شماره (۱۰) شبکه مضامین دغدغه‌های دولت در حوزه خانواده

۴.۳. مضمون فراگیر سوم: چشم‌انداز

در این سطح، چشم‌انداز دولت وقت برای حل مشکلات حوزه بانوان، مورد بررسی قرار می‌گیرد و آنچه با عنوان هدف یا چشم‌انداز تصریح شده، بیان می‌گردد.



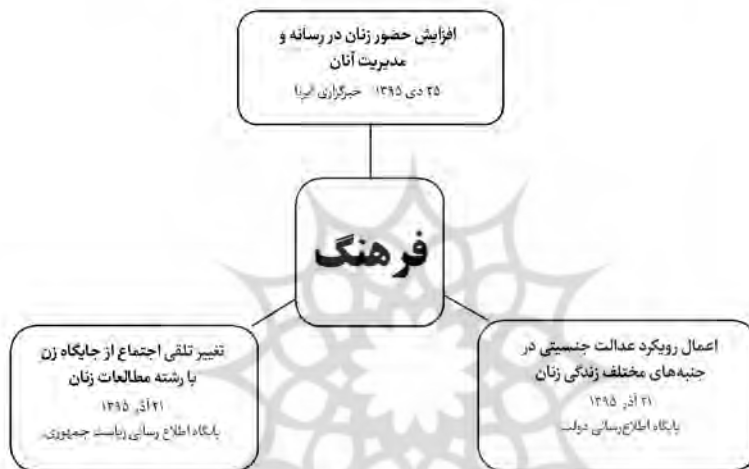
نمودار شماره (۱۱) شبکه مضامین چشم‌انداز دولت در حوزه اقتصاد



نمودار شماره (۱۲) شبکه مضامین چشم‌انداز دولت در حوزه سیاست



نمودار شماره (۱۳) شبکه مضامین چشم‌انداز دولت در حوزه اجتماع



نمودار شماره (۱۴) شبکه مضامین چشم‌انداز دولت در حوزه فرهنگ



نمودار شماره (۱۵) شبکه مضامین چشم‌انداز دولت در حوزه خانواده

۴,۴. سطح چهارم: برنامه‌ها و اقدامات

در این سطح، برنامه‌ها و اقدامات عملی دولت وقت در حوزه زنان مورد بررسی قرار گرفتند که در دو بخش «برنامه‌ها و اقدامات» و «اسناد و لوایح» ارائه می‌شود:

۴,۴,۱. برنامه‌ها و اقدامات



نمودار شماره (۱۶) شبکه مضامین برنامه‌ها و اقدامات دولت در حوزه اقتصاد



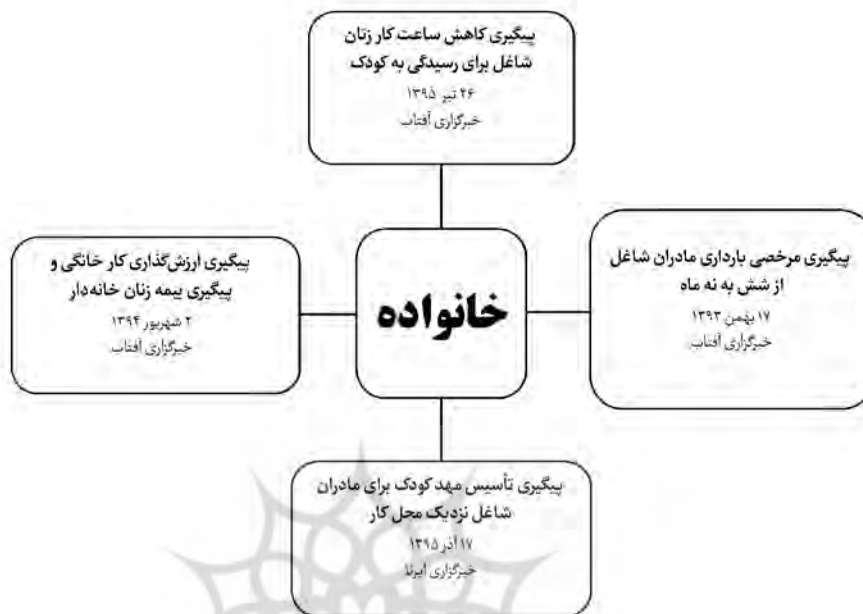
نمودار شماره (۱۷) شبکه مضامین برنامه‌ها و اقدامات دولت در حوزه سیاست



نمودار شماره (۱۸) شبکه مضامین برنامه‌ها و اقدامات دولت در حوزه اجتماع



نمودار شماره (۱۹) شبکه مضامین برنامه‌ها و اقدامات دولت در حوزه فرهنگ



نمودار شماره (۲۰) شبکه مضامین برنامه‌ها و اقدامات دولت در حوزه خانواده^۱

۴,۴,۲. اسناد و لوایح

گنجاندن ماده ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸ در لایحه احکام برنامه ششم (رویکرد عدالت جنسیتی)، تدوین پیش نویس سند سیاستی - اجرایی اشتغال پایدار زنان با تأکید بر زنان سرپرست خانوار و دختران فارغ التحصیل دانشگاهی در مناطق محروم، ارائه برنامه ششم و لحاظ تعادل جنسیتی در بازار کار، تدوین سند امنیت کودکان و زنان، لایحه تشدید مجازات اسیدپاشی، ایجاد بانک اطلاعاتی سازمان‌های فعال در حوزه زنان و تدوین طرح مشورتی، ارائه لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت، لایحه بیمه زنان خانه‌دار، بیمه فراگیر اجتماعی و بیمه‌های چندلایه، ماده ۳۱ لایحه احکام برنامه ششم، لایحه کاهش ساعت کاری زنان شاغل.

۱. تجربه افزایش مرخصی زایمان از شش ماه به ۹ ماه و اخراج برخی زنان شاغل نشان می‌دهد که گوش کارفرمایان بخش خصوصی به هشدارهای دولتی بدهکار نیست. بر پایه گفته‌های معاون فنی درآمد تأمین اجتماعی، بخش خصوصی، یک سوم از زنان شاغل را پس از بازگشت از مرخصی زایمان، اخراج کرده است. این قانون به صورت محدود، در برخی مراکز دولتی مانند آموزش و پرورش اجرا شده است.

۴.۵. سطح پنجم: تحلیل‌ها

در این قسمت، به برخی تحلیل‌های خانم مولوردی از وضعیت زنان که در یک نگاه کلان، سطوح مختلف را به هم پیوند می‌زند، اشاره می‌گردد:

الف) مولوردی در مورد چرایی لزوم ورود زنان به بازار کار، به دو مسئله افزایش اعتماد به نفس بانوان و نیاز امروز جامعه به وجود دو نان‌آور در خانه (۶ شهریور ۱۳۹۵، آفتاب یزد) اشاره می‌کند.

- مقصر عدم بهره‌وری از توان بانوان، وجود تفاوت معنادار در دسترسی زنان و مردان جامعه ما به موقعیت‌های مختلف عنوان شده است: مردان بیشتر موقعیت‌های سیاسی و اقتصادی را در دست دارند و زنان بیشتر به موقعیت‌های فرهنگی و اجتماعی دسترسی دارند. (۱۴ بهمن ۱۳۹۴، آفتاب)

- وی تبعات بیکاری زنان را موارد زیر می‌داند:

۱. عدم استقلال مالی و در نتیجه، وابستگی زیستی و اقتصادی به خانواده پدری و

سپس شوهر. (۱۸ فروردین ۱۳۹۴، آفتاب)

۲. تجمیع مطالبات زنان به حوزه فرهنگی و سیاسی و احتمال گرایش‌های منحرفانه

اخلاقی برای استقلال مادی. (۲ بهمن ۱۳۹۵، خبرگزاری ایرنا)

۳. نمودارشدن پتانسیل بانوان از طرق نامناسب. (۱۸ فروردین ۱۳۹۴، آفتاب)

۴. این مسئله سبب افزایش قدرت اقتصادی شوهر شده که یکی از عوامل خشونت

علیه زنان است. (۱۳ خرداد ۱۳۹۹، پایگاه اطلاع‌رسانی دولت)^۱

- مولوردی وظایف نهادهای مختلف در حوزه بانوان را چنین عنوان می‌کند:

۱. دولت: توانمندسازی بانوان برای اشتغال (۲ بهمن ۱۳۹۵، خبرگزاری فارس)، ایجاد

مراکز کارآفرینی برای زنان (۲۸ دی ۱۳۹۵، معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری)،

ایجاد مراکز کاربایی ویژه زنان (۷ آبان ۱۳۹۵، آفتاب)، حمایت از نقش‌های چندگانه

زنان (۱۹ آذر ۱۳۹۵، خبرگزاری ایسنا)، ایجاد تبعیض مثبت (۱۷ بهمن ۱۳۹۳، آفتاب) و

۱. نقشی که آداب و رسوم و فرهنگ برای مرد قائل هستند، قدرت اقتصادی او در جامعه و خانواده و هنجار شمرده‌شدن پرخاشگری مرد در برخی فرهنگ‌ها، این امکان را به او می‌دهد که عامل خشونت علیه زن باشد. (۱۳ خرداد ۱۳۹۹، پایگاه اطلاع‌رسانی دولت)

ایجاد مهد کودک در ادارات برای کمک به مادران شاغل. (۱۱ مرداد ۱۳۹۴، آفتاب)
 ۲. خانواده: تقسیم وظایف منزل بین زنان و مردان برای تسهیل اشتغال زنان و
 تغییر نگرش کلیشه‌ای پسران. (۲۶ آذر ۱۳۹۵، خبرگزاری ایسنا)

- وی برای بسته‌های حمایتی از بانوان مضراتی برمی‌شمارد و تلویحاً اجرا و استفاده از آن را مناسب نمی‌داند. مواردی مانند مرخصی نه‌ماهه زایمان یا بازنشستگی پیش از موعد، علاوه بر عدم تمایل کارفرما به جذب بانوان (به دلیل ایجاد هزینه‌های اضافی)، مانع ارتقا جایگاه شغلی خود زنان نیز می‌شود و امنیت شغلی آنان را به خطر می‌اندازد. (۲۶ تیر ۱۳۹۵، خبرگزاری آفتاب)
- مولوردی مصادیق کار فرهنگی مطلوب برای بانوان را نشریات زنانه پس از مشروطیت و از جمله نشریه دانش معرفی می‌کند. (۲۵ دی ۱۳۹۵، خبرگزاری ایسنا)

۵. آمار و ارقام مربوط به اشتغال بانوان در دولت یازدهم

یکی از برجسته‌ترین اقدامات دولت در راستای اجرای عدالت جنسیتی در استخدام‌های بخش دولتی، دستور رئیس جمهور وقت برای به‌تعویق افتادن آزمون مذکور بود. پس از این جریانات، امکان حضور بانوان در حداقل ۳۰۰ فرصت شغلی جدید فراهم گردید. (اطلاعیه سازمان سنجش در تاریخ ۱۳۹۵/۶/۱۷)

به‌طورکلی، بررسی آمار مربوط به مقایسه اشتغال بانوان و آقایان در اسناد مرکز آمار ایران مانند «بررسی شاخص‌های عمده بازار کار در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۵» و «بررسی سهم زنان در اشتغال مزد و حقوق‌بگیری در ایران» حکایت از روند صعودی رشد اشتغال بانوان، البته به‌صورت بسیار نرم دارد. نتیجه بررسی نسبت تصدی کرسی‌های مجلس در این دوره زمانی نیز نشان می‌دهد بانوان در مجلس دهم، بالاترین میزان حضور یعنی ۱۷ نفر را تجربه کرده‌اند. دولت یازدهم با وجود تأکیدی که بر مدیریت بانوان داشت، تنها سه معاون خود را از میان زنان انتخاب کرد و در آن دوره، از بین ۴۳۰ فرماندار کشور، ۴ فرماندار و از میان ۱۰۵۹ یخشداری، ۱۳ بخشدار، زن بودند. (ایسنا، ۶ دی ۱۳۹۴)

تحلیل و نقد

دولت یازدهم در مقابل گفتمان‌هایی که کفه سنگین فعالیت بانوان را به فعالیت فرهنگی و اجتماعی می‌دهند و از خانه‌داری زن حمایت می‌کنند، از حرکت زنان به سمت قدرت و منابع، یعنی فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی و اشتغال زن حمایت می‌کرد. در ادامه، به نقد و ارزیابی سطوح بیان شده خواهیم پرداخت:

۱. سوگیری مبانی نظری، در تمامی سطوح به سمت الگوهای توسعه غربی است و گزارش‌ها و سیاست‌های سازمان‌های بین‌المللی، معیار نقد اوضاع کشور در حوزه بانوان قرار می‌گیرد.
۲. سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقدامات، به مبانی دینی یا سیاست‌های کلان ابلاغی رهبر معظم انقلاب در حوزه زنان ارجاع داده نمی‌شوند. به عنوان مثال، حمایت از زنان سرپرست خانوار، در ایجاد اشتغال منحصر شده است، درحالی‌که در سیاست‌های کلان، به حمایت حقوقی، اقتصادی و فرهنگی از خانواده‌هایی با سرپرست زن و تسهیل ازدواج این بانوان تأکید شده است (بند ۱۴ سیاست‌های کلی خانواده ابلاغی رهبر انقلاب). به عبارتی، ایجاد اشتغال برای زنان سرپرست خانوار هرچند یک راهکار موقتی است، اما سبب می‌شود فرزندان علاوه بر عدم برخورداری از نعمت پدر، از حضور مادر نیز محروم باشند. همچنین درحالی‌که دین اسلام زمان شیرخواری کودک را تا دو سال می‌داند، قوانین موجود (در صورتی‌که به اجرا دربیاید) به مادر به مدت سه تا حداکثر نه ماه اجازه ماندن در خانه و مراقبت از طفل را می‌دهند.^۱
۳. دیدگاه برابری جنسیتی به معنای بهره‌مندی زن و مرد از حقوق و وظایف یکسان در جامعه و همچنین مشابهت در همه حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، بدون در نظر گرفتن ویژگی‌های مکمل و فطری زن و مرد در این نگاه حکم فرماست. در این دیدگاه، یکی از مهم‌ترین اهداف، فراهم کردن زمینه اشتغال زنان و کسب استقلال اقتصادی برای آنها است (عیسی‌خانی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۱)؛ اما در دیدگاه اسلام، زن و مرد مانند یکدیگر نیستند و کارکردها و انتظارات از آنها در برخی امور، حقیقتاً متفاوت است. زن و

۱. البته برخی قوانین، حاکی از مرخصی‌های نیم‌ساعته برای شیردهی هستند که به دلیل عدم وجود مهد در اکثر محیط‌های کار، عملاً بلااستفاده است.

مرد، نه دارای شرایط متشابه هستند و نه شرایط متساوی؛ بلکه دارای وضعیت متناسب و موافق و مکمل هستند (کریمی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۵). در واقع تفاوت دیدگاه اسلامی و دیدگاه غربی، در نظریه تناسب و تشابه، متجلی شده است. دیدگاه اسلامی بر اصل تناسب استوار است و اگر از واژه تساوی بهره می‌جوید، آن را به معنای تناسب و تعادل به کار می‌برد و دیدگاه غربی بر اصل تشابه کامل میان زن و مرد استوار است. واژه تساوی و برابری در این دیدگاه به معنای تشابه و همگونگی است. (همان، ۶۶)

۴. نگاه غربی، بر مسائل فرهنگی حاکم است. به طور مثال، با تفکیک جنسیتی در ادارات مخالفت می‌شود. هرچند از دیدگاه اسلام، ارتباط میان زن و مرد فی‌نفسه ممنوعیتی ندارد؛ اما مسئله حائز اهمیت، تأکید بر حفظ حریم و پرهیز از اختلاط و آمیختگی در روابط میان زن و مرد بر طبق آیات و روایات است؛ چرا که اختلاط و هم‌نشینی زن و مرد با هم، زمینه انحراف و انحطاط را فراهم می‌کند (نیکزاد، ۱۳۸۳، ص ۴۵). شهید مطهری با استناد به سه قانون وضع شده توسط پیامبر ﷺ یعنی: درب ورودی زنان به مسجد از درب ورودی مردان مجزا باشد، شب‌هنگام که نماز تمام می‌شود اول زن‌ها بیرون بروند بعد مردها و در نهایت اینکه، مردان از وسط و زنان از کنار کوچه یا خیابان عبور کنند، می‌گوید: «سنت جاری مسلمین از زمان رسول خدا ﷺ همین بوده است که زنان از شرکت در مجامع و مجالس منع نمی‌شدند، ولی همواره اصل حریم، رعایت می‌شده است»، بر این اساس، در مساجد و مجامع، حتی در کوچه و معبر، زن با مرد مختلط نبوده است. (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۱۹، ص ۵۵۲)

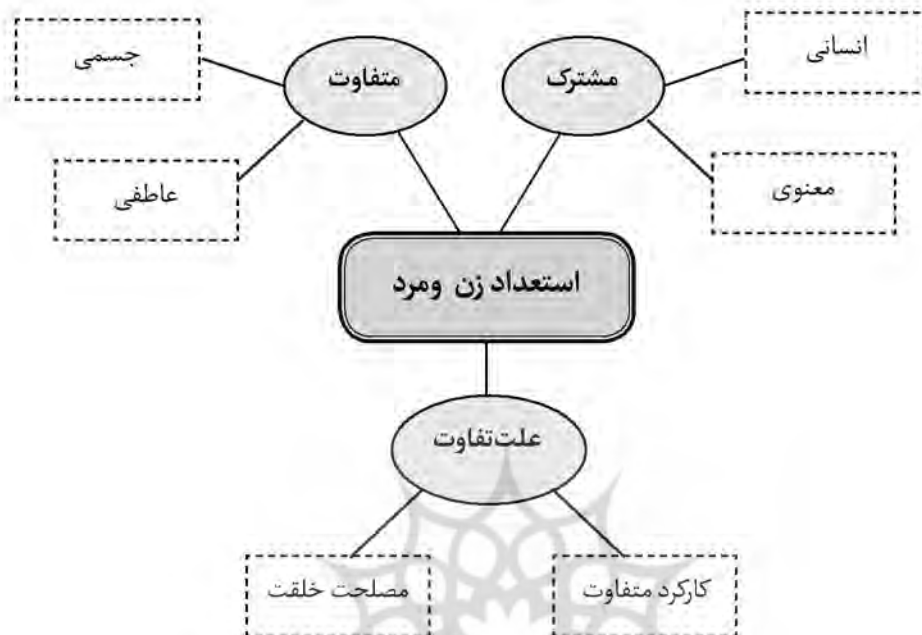
۵. الگوهای موفق توانمندسازی بانوان، بدون در نظر گرفتن تعارضات عمیق نظری، مورد توجه قرار می‌گیرد و در مقابل، تلاشی برای رسیدن به الگوهای درون‌زا صورت نمی‌گیرد (مثلاً سیاست‌های اشتغال زنان، به الگوی فنلاند ارجاع داده می‌شوند). در این الگو، اصل بر اشتغال بانوان است و یکی از راه‌حل‌های اساسی برای رفع تعارض کار - خانه، گسترش مراکز نگهداری از کودک عنوان می‌شود؛ اما در الگوی اسلامی، این مدل پذیرفته شده نیست و سپردن کودک به مراکز مذکور، صدمات جبران‌ناپذیری به وی وارد می‌سازد. بر اساس یافته‌های روان‌شناسان، حضور هرچه بیشتر مادر در کنار فرزندان، به‌ویژه در سال‌های

آغازین، نیاز جسمی، عاطفی، روانی و شناختی فرزندان را برای رشد بهنجار شخصیت و عواطف آنها فراهم می‌سازد و نبود مادر به سبب اشتغال، می‌تواند زمینه‌های ایجاد اختلالات گسترده را در آنان فراهم سازد؛ چرا که این خلأ عاطفی، خسارتی جبران‌ناپذیر بر شخصیت و رشد کودک خواهد گذاشت (بختیاری، ۱۳۸۸، ص ۱۸۲-۱۸۳). همچنین سپردن کودک به مراکز نگهداری و مهد کودک، به ویژه در سال‌های اول زندگی و به مدت طولانی، وی را با مشکلاتی عمده از جمله عدم توانایی در ارتباطات عاطفی و پایدار و عدم ثبات شخصیتی در آینده روبه‌رو می‌کند. (عیسی‌خانی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۸)

۶. مبانی مطلوب در حوزه خانواده، عدالت و عقلانیت عنوان شده است؛ به بیان دیگر، رعایت حدود مرزهای قانونی در روابط اعضای خانواده و التزام به اجرای آن در همه زمینه‌ها، تعیین‌کننده روابط بین افراد است. لازمه چنین نگاهی، تبدیل شدن محیط خانواده به مکانی سرد و بی‌روح و عاری از مهر و محبت است. هرچند در نظامات و سازمان‌های اجتماعی، ضابطه اصلی حاکم بر رفتارها، عدالت است؛ یعنی تعیین حدود و مرز حقوق افراد و نیز تنظیم قوانین به نحوی که هر کس به حق خود برسد و به حقوق دیگران تجاوز نکند؛ اما در مقابل، قانون حاکم بر روابط خانوادگی افراد، قانون مودت و رحمت است که درصدد برداشتن مرزها و ایجاد وحدت بین اعضای خانواده است. (سوزنجی، ۱۳۹۳، ص ۵۶)
۷. این نگاه، برای زنان در مسیر توسعه کشور و ارتقاء خانواده، نقش اقتصادی قائل است در حالی که در دین اسلام، بانوان چنین وظیفه‌ای ندارند. البته طرح مسئله آزادی و اشتغال زنان در غرب، عمدتاً از دریچه نگاه اقتصادی مطرح شده است و به تأثیرات آنها در تولید ناخالص ملی و پرکردن سبد درآمد خانواده توجه شده است. در این دیدگاه، نقش مادری و همسری به شدت تحقیر می‌شود و نه تنها به این فعالیت عمیق فرهنگی و انسان‌ساز توجه نمی‌شود، بلکه حتی از تأثیر اقتصادی خانه‌داری و نقش آن در بهره‌وری اقتصادی جامعه غفلت می‌شود. در تفکر اسلامی، ضمن ارج نهادن به مسئولیت اجتماعی زن و تأکید بر استقلال مالی زنان، بر نقش‌های ویژه زن و مرد در کانون خانواده و در محیط اجتماعی، سخت اصرار شده است. (زیبایی‌نژاد، ۱۳۹۰، ص ۶۹-۷۰)

۸. در این پارادایم، قرارگرفتن مردان در رأس امور، سبب شکل‌گیری نظام قدرت مردسالارانه عنوان شده که مسائل زنان را به حاشیه می‌برد. درحالی‌که در دین اسلام، اولویت مسائل مدیریتی - حاکمیتی از نوع عام با آقایان است. شهید مطهری پس از یک بحث نسبتاً طولانی در مورد ولایت عامه و ولایت خاصه، این مسئله را مطرح می‌کند که در جامعه امروز، میان حاکمیت بانوان و تصدی پست‌های سیاسی، تفاوت وجود دارد؛ هرچند جواز حاکمیت بانوان منتفی است، اما مسئله تصدی مشاغل سیاسی معلوم نیست چه وضعی داشته باشد (و یکی از مسائل اختلافی است). (مطهری، ۱۳۹۶، ص ۴۹)
۹. مواردی مانند سند ۲۰۳۰ یا سند پکن که دارای اشکالات متعدد و ناسازگاری با قواعد اسلام هستند، مبنای اصلی سیاست‌های دولت قرارگرفته‌اند.
۱۰. به جای اساس قراردادن قوانین اسلامی و فقهی در شکل دادن به سیاست‌ها، به تطبیق فقه با قوانین بین‌المللی با عنوان «فقه پویا» تأکید می‌گردد.
۱۱. برخی سیاست‌های نادرست در حوزه تحصیل (التزام به برابری در معنای مشابهت در تحصیل)، به حوزه اشتغال تسری پیدا کرده و تبدیل به نوعی مطالبه‌گری و دغدغه شده است. غلامرضا سلیمی در مقاله «تفسیر سیاست‌های کلی علم و فناوری در مورد اشتغال و تحصیل زنان» با تحلیل مضمون سخنان رهبری، ویژگی‌های جسمانی و عاطفی زن و مرد و به تبع آن، استعدادها، قابلیت‌ها و کارکردهای آن دو را متفاوت دانسته و بیشترین بهره‌وری از هرکدام را در رشته تحصیلی و شغل مرتبط با این استعدادها و کارویژه‌ها معرفی کرده و در مقابل، به آسیب‌های سیاست‌های برابری طلبانه در اشتغال و تحصیل اشاره می‌کند. وی در نهایت، مصادیقی برای رشته‌های مناسب و نامناسب بانوان بیان می‌کند.

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه رجوع شود به کتاب‌های «زنان و حقوق برابر: نقد و بررسی کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان و سند پکن» و «نقد علمی بر سند ۲۰۳۰».



نمودار شماره (۲۱): تفاوت استعداد های زن و مرد (سلیمی، ۱۳۹۴، ص ۱۱۸)

۱۲. به نظر می‌رسد مسائل اجتماعی، که دغدغه دولت وقت را به خود معطوف ساخته، بیش از آنکه منشأ درونی داشته باشد، حاصل قطعنامه‌ها و آسیب‌شناسی‌های بین‌المللی است. برای مثال، در حالی که در کشور با بحران مجرد قطعی دختران و بالارفتن سن ازدواج مواجه هستیم، یکی از دغدغه‌های اصلی دولت، ازدواج دختران در سنین پایین است. طبق آمار سال گذشته (۱۳۹۶)، ۲۵/۱ درصد از زنان کشور که جمعیتی ۱۰ میلیون نفره را می‌سازند، مجرد هستند؛ یعنی چیزی نزدیک به یک چهارم جمعیت زنان کشور را، دختران ازدواج‌نکرده تشکیل می‌دهند. طبق همان آمار، ۴۲۶ هزار نفر از این گروه، بالای ۴۰ سال عمر دارند؛ یعنی طبق تعریف‌های جمعیت‌شناختی، جزو مجردهای قطعی حساب می‌شوند. (۱ مرداد ۱۳۹۷، روزنامه همشهری)

۱۳. در حوزه فرهنگ، دغدغه مؤکد یا قابل تأملی دیده نمی‌شود. به‌طور کلی، فرهنگ در این پارادایم، نقش اصیل و هویت‌دهنده به سایر مولفه‌ها را ندارد، بلکه فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و اشتغال زنان را توجیه کرده و هویت جدید زن را برای او برمی‌سازد.

۱۴. غالب دغدغه‌ها در حوزه خانواده، معطوف به رفع تعارض میان نقش مادری و همسری و اشتغال هستند. سیاق دغدغه‌ها، حاکی از این است که اصل، اشتغال زنان است و خانواده باید خود را با شرایط تطبیق دهد و مرد شدن میان دوراهی اشتغال و خانه، نكوهیده است. برای مثال خانم مولوردی در جایی بیان می‌کند:

«برای صاحبان شرکت‌های دولتی یا خصوصی، چگونه امکان دارد که با توجه به بار مالی زیاد، با مرخصی ۹ ماهه زنان باردار موافقت کنند که علاوه بر بازنشستگی زودتر از موعد، ممکن است در طول زمان خدمت، به هزار بهانه محل کار خود را ترک کنند. شاید بتوان با هزار قانون و مصوبه، دولت را به انجام این کار مجبور کرد، اما دیگر چگونه می‌توان برای یک بانوی شاغل با این وجود، انتظار ارتقاء جایگاه شغلی را متصور شد (۱۷ بهمن ۱۳۹۳، آفتاب). ما به شرطی موافق اجرای این‌گونه برنامه‌ها (افزایش مرخصی بارداری) هستیم که امنیت شغلی زنان به خطر نیفتد. زنی که امروز فرزندش به دنیا آمده، می‌خواهد که مرخصی ۹ ماهه را داشته باشد، یا زنی که فرزند شیرخوار و کوچک دارد می‌خواهد که ساعت کاری‌اش کاهش یابد، در لحظه حال به آینده شغلی خود توجهی ندارند و نمی‌دانند که ممکن است در آینده از لحاظ ارتقاء پست‌های مدیریتی با مشکل مواجه شوند، البته این موارد در آن لحظات حساس برای زنان اهمیتی ندارد و به هیچ‌وجه به آینده فکر نمی‌کنند.» (۲۴ اسفند ۱۳۹۴، آفتاب) وی در نهایت، بر این نکته تأکید دارد که باید تسهیلاتی فراهم شود که زنان بتوانند در کنار مسئولیت‌های اجتماعی خود، به نقش مادری و همسری نیز بپردازند (۶ شهریور ۱۳۹۵، آفتاب یزد). گویا نقش مادری و همسری رانه یک نقش محوری، که یک نقش تبعی و فرعی می‌بیند. در صورتی که از دیدگاه اسلام، اصل بر نقش مادری و همسری است و حضور اجتماعی زن باید به گونه‌ای تعریف شود که با همسر داری وی منافات نداشته باشد و همچنین این حضور نباید موجب استنکاف ایشان از فرزندآوری، شیردهی به فرزند و یا سرباز زدن از تربیت وی شود. (ملک‌خانی، ۱۳۹۷، ص ۱۲۱)

۱۵. دولت همچنین تلاش دارد با کمک فقه پویا، مشکل ممانعت همسران از اشتغال زنان و یا

خروج از کشور را حل نماید (۱۵ مهر ۱۳۹۴، عصر ایران) و تاکنون در رسیدن به برابری در دیه میان دو جنس به موفقیت‌هایی دست یافته است. (۱۲ تیر ۱۳۹۷، شبکه خبر)

۱۶. در مسیر اشتغال بانوان، بسته‌های حمایتی برای بانوان همچون کاهش ساعات کاری، مرخصی زایمان، بازنشستگی پیش از موعد و... غالباً با شکست روبرو می‌شوند. البته معاون وقت بانوان ریاست جمهوری، چنین طرح‌هایی را مانع ارتقاء شغلی بانوان توصیف کرده و مناسب نمی‌بیند.

نتیجه‌گیری

بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد مواضع خانم مولوردی نه تنها نشانگر گفتمان غالب دولت یازدهم در حوزه اشتغال بانوان است، بلکه نماینده سطوح کلان‌تری مانند سازمان ملل و اسناد توسعه است. لذا پرداخت به آن از جهات مختلف، مفید خواهد بود و ما را در شناخت ابعاد مختلف این گفتمان یاری می‌رساند.

کلیدواژه‌های تکرارشونده در دولت یازدهم در حوزه زنان همچون «برابری جنسیتی»، «برابری در دسترسی به منابع اقتصادی مانند ارث و دیه»، «مبارزه با خشونت علیه زنان»، «جلوگیری از ازدواج دختران کم سن و سال»، «ارزش‌گذاری مادی کار خانگی»، «تسبیت برابر کرسی‌های مجلس» و «مدیریت و رهبری زنان»، همگی برگرفته از سند توسعه پایدار یا ۲۰۳۰ است. در این میان، تقریباً اثری از ارجاع به منابع دینی، اسناد بالادستی و سیاست‌های کلی ابلاغی رهبر انقلاب دیده نمی‌شود.

دولت یازدهم، در مقابل گفتمان‌هایی که کفه سنگین فعالیت بانوان را به فعالیت فرهنگی و اجتماعی می‌دهند و از خانه‌داری زن حمایت می‌کنند، از حرکت زنان به سمت قدرت و منابع، یعنی فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و اشتغال زن، به‌منظور ایجاد برابری در تمام سطوح حمایت می‌کند. در این پارادایم، فعالیت در عرصه اجتماع برای زن اصالت دارد و بر خانه‌داری وی مقدم خواهد بود.

بیانات و اقدامات خانم مولوردی، بیشترین قرابت را با نظریه «جنسیت و توسعه» دارد. در

این نگاه، هرچند «حساسیت جنسیتی» به رسمیت شناخته می‌شود و «تبعیض مثبت» به نفع زنان اعمال می‌گردد، ولی خانواده و فرزندآوری یا مراقبت از فرزندان و تربیت آنها، دیگر اولویتی برای سیاست‌گذاری اشتغال زنان نخواهد بود و به همان میزان که زن در این حوزه مسئولیت دارد، مرد هم مسئول است. در این نگاه، مادری تنها یک تفاوت بیولوژیکی ناچیز است که نباید سبب تفاوت‌های عمیق و ریشه‌دار در اشتغال زن و مرد گردد. همان‌طور که در ابتدا اشاره شد «افزایش توانایی زنان برای مراقبت از خانواده»، که در دو رویکرد، زن و توسعه و زن در توسعه به عنوان یک راهبرد اساسی مطرح شده بود، دیگر جایگاهی در نظریه جنسیت و توسعه ندارد. امروزه در عمل، ساختارهای غیر منعطف اشتغال زن و عدم اجرای بسته‌های حمایتی، به دلیل هزینه‌های بالا برای دولت، محیط خانه و خانواده را تبدیل به محل اجتماع فشارهای حاصله کرده است. از سوی دیگر، گفتمان موجود با دمیدن روح رقابت اقتصادی و سوق دادن بانوان به کسب استقلال اقتصادی، نیاز زن به مرد در حوزه اقتصاد را کاهش داده و موجب کاهش تبعیت‌پذیری و مودت در خانواده می‌شود و در نهایت، ساختار پلکانی خانواده^۱ را به مدل موازی و دیپلماتیک سوق می‌دهد! در این گفتمان، برنامه‌هایی مانند اشتغال نیمه‌وقت، کاهش ساعت کاری زنان شاغل، افزایش مرخصی زایمان و سیاست‌های حمایتی، که از زمان دولت نهم و دهم در دستور کار قرار گرفته بود (استیری و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۱۷۱-۱۷۲) از جهات مختلف، تهدیدی برای اشتغال بانوان معرفی می‌شوند.

با بررسی کلی فضا، این سؤال پیش می‌آید که حتی اگر الگوی توسعه بر جامعه حکم فرماست، چرا بسته‌های حمایتی که در بسیاری از کشورهای مدرن برای اشتغال بانوان در نظر گرفته شده‌اند، در کشور ما یکی پس از دیگری با شکست روبرو می‌شوند و بانوان را که بی‌وقفه به اشتغال برابر سوق داده شده‌اند بی‌پناه می‌گذارند؟ و آیا در صورت فعال شدن بسته‌های حمایتی، تعارض بین خانه و اشتغال بانوان حل خواهد شد؟ برای پاسخ به این سؤال، توجه به چند نکته حائز اهمیت است:

۱. برخورد الگوهای نظری: زمانی که روح سیاست‌های کلی جامعه (که رهبر و ساختارهای کلان

۱. به معنای وجود سلسله‌مراتب اقتدار در خانواده که پدر در رأس آن قرار دارد.

نظام آن را تعیین می‌کنند) دینداری باشد و روح حاکم بر الگوهای توسعه، سرمایه‌داری و اومانیسیم، حتماً تعارض رخ داده مانع اجرای مطلوب هر دو می‌شود.

۲. شرایط خاص جامعه: درحالی‌که کشور با بحران بیکاری مردان جوان در آستانه ازدواج روبروست که در حکم شرعی، وظیفه اقتصادی دارند، حتی از لحاظ عقلی، اختصاص یک جایگاه شغلی با هزینه مضاعف از جیب دولت - به منظور جبران کم بودن حضور زنان در مواردی همچون مرخصی زایمان، بازنشستگی پیش از موعد بانوان یا کاهش ساعات کاری آنان - قابل توجیه نخواهد بود. البته اختصاص بودجه مضاعف برای کشیدن زنان به میدان در جوامعی که با کمبود نیروی کار مواجه هستند می‌تواند توجیه عقلانی تری داشته باشد.

۳. حتی در صورت وجود بسته‌های حمایتی، فرزندآوری در چهارچوب اشتغال تعریف شده، نوعی ایجاد مزاحمت برای فرد و خانواده خواهد بود و در مقابل، سیاست افزایش جمعیت، بی‌نتیجه خواهد ماند. مؤید این حرف، کشورهای حوزه اسکاندیناوی هستند که بالاترین بسته‌های حمایتی از مادران شاغل را ارائه کرده‌اند، اما نرخ زادوولد در این کشورها همچنان فاصله زیادی با نرخ جایگزینی دارد و در حقیقت، خانواده‌ها علاقه‌ای به فرزندآوری ندارند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

الف) کتاب

۱. راجی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۶ش)، *نقد علمی بر سند ۲۰۳۰*، تهران: کتابستان ماجد.
۲. زرشناس، شهریار (۱۳۹۳ش)، *واژه‌نامه سیاسی فرهنگی*، تهران: دفتر نشر معارف.
۳. زیبایی‌نژاد، محمدرضا (۱۳۹۰ش)، *درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام*، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
۴. کریمی، حمید (۱۳۹۱ش)، *زن و مرد؛ تشابه، تساوی یا تناسب؟*، قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه‌های علمی خواهران.
۵. مطهری، مرتضی (۱۳۷۸ش)، *مجموعه آثار*، تهران: انتشارات صدرا.
۶. _____ (۱۳۹۶ش)، *زن و مسائل قضایی و سیاسی*، تهران: انتشارات صدرا.
۷. مهدی‌زاده، سیدمحمد (۱۳۹۳ش)، *نظریه‌های رسانه: اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی*، تهران: انتشارات همشهری.
۸. یستان، حسین (۱۳۹۴ش)، *جامعه‌شناسی جنسیت با رویکردی اسلامی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و مرکز نشر هاجر.
۹. زارعان، منصوره و بزرگر، خدیجه (۱۳۹۷ش)، *جنسیت و توسعه*، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.

ب) مقاله

۱. ابراهیمی، طیبه (۱۳۹۲ش)، «سیاست‌های کلی اشتغال زنان در نظام حقوقی حاکم بر جمهوری اسلامی ایران و مقایسه آن با اسناد بین‌المللی»، *نشریه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده*، ش ۲۵، ص ۱۷۷-۲۰۸.
۲. ارحامی، آسیه (۱۳۹۱ش)، «سیاست‌های دولت‌ها در رابطه با اشتغال زنان و تکریم خانه‌داری: زنان شاغل، نتایج نگاه دولت‌ها»، *نشریه زنانه*، ش ۲۳-۲۴، فروردین و اردیبهشت، ص ۸۹-۹۹.
۳. استیری، لیلان؛ تفضلی، حسین و سلطانی، علیرضا (۱۳۹۸ش)، «جایگاه اشتغال زنان در سیاست‌های کلان کشور بعد از انقلاب اسلامی»، *رهیافت انقلاب اسلامی*، ش ۴۶، ص ۱۵۹-۱۸۱.
۴. بختیاری، آمنه (۱۳۸۸ش)، «تأثیر اشتغال زنان بر خانواده با تأکید بر کودکان»، *کتاب اشتغال زنان*، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان قم، ش ۲، تابستان، ص ۱۶۵-۲۰۳.
۵. سجادی، سیدمهدی (۱۳۸۴ش)، «فمینیسم در اندیشه پست‌مدرنیسم»، *مطالعات راهبردی زنان*، سال هشتم، ش ۲۹، پاییز، ص ۷-۲۸.
۶. سلیمی، غلامرضا (۱۳۹۴ش)، «تفسیر سیاست‌های کلی علم و فناوری در مورد اشتغال و تحصیل زنان»، *نشریه مطالعات راهبردی بسیج*، ش ۶۶، تابستان، ص ۱۲۹-۱۵۲.
۷. سوزنجی، حسین (۱۳۹۳ش)، «الگوی اسلامی برای تحلیل مسائل زن و خانواده و کاربرد آن در عرصه سیاست‌گذاری»، *فصلنامه دین و سیاست فرهنگی*، ش ۱، ص ۴۳-۷۸.

۸. عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمدسعید؛ فقیهی، ابوالحسن و شیخ زاده، محمد (۱۳۹۵ش)، «تحلیل مضمون و شبکه مضامین؛ روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، *اندیشه مدیریت راهبردی*، ش ۱۰، ص ۱۵۱-۱۹۸.
۹. عبداللهی، مرگان (۱۳۸۱ش)، «سقف شیشه‌ای: مانع ارتقای شغلی زنان»، *مطالعات مدیریت، بهبود و تحول*، ش ۳۵-۳۶، پاییز و زمستان، ص ۱۸۷-۲۰۰.
۱۰. عیسی خانی، زهره (۱۳۸۳ش)، «نابرابری در ترازوی برابری جنسیتی»، *کتاب نقد*، ش ۳۱، ص ۱۳۱-۱۴۴.
۱۱. فکوهی، ناصر (۱۳۸۴ش)، «سازوکار «تبعیض مثبت» به مثابه ابزار محرومیت‌زدایی با نگاهی به موقعیت زنان در ایران»، *پژوهش زنان*، دوره ۳، ش ۳، ص ۱۱۵-۱۴۵.
۱۲. کاردوانی، راحله؛ تاج مزینانی، علی اکبر؛ میرخانی، عزت‌السادات و سجادی، سیدمهدی (۱۳۹۵ش)، «بررسی راهبردهای سیاست اشتغال در حوزه مادری در جمهوری اسلامی ایران»، *مطالعات راهبردی زنان*، ش ۲۷، تابستان، ص ۷-۳۱.
۱۳. ملک زاده، فهیمه (۱۳۸۵ش)، «اشتغال زنان در قوانین»، *نشریه فقه و حقوق خانواده*، ش ۴۴، زمستان، ص ۱۴۱-۱۶۱.
۱۴. نوری، لادن (۱۳۸۲ش)، «نقد و بازنگری برنامه سوم توسعه در زمینه سیاست‌های اشتغال زنان»، *نشریه برنامه*، ش ۳۱، ص ۱۲-۱۲.
۱۵. نیکزاد، عباس (۱۳۸۳ش)، «روابط زن و مرد از دیدگاه اسلام»، *مطالعات راهبردی زنان*، ش ۲۵، ص ۱۱۷-۱۵۱.
۱۶. کاظمی، علی؛ خالقی پناه، کمال و جلوند، اختر (۱۳۹۷ش)، «مطالعات توسعه انسانی زنان و جنسیت: فراسنتز مطالعات توسعه انسان»، *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، سال نهم ش ۳۴، ص ۱۳۷-۱۶۶.

ج) گزارش

۱. گزارش مرکز آمار ایران - (۱۳۹۳). *تحولات کمی و کیفی اشتغال زنان در دوره پنج‌ساله ۱۳۸۸-۱۳۹۲*.
۲. گزارش ریاست جمهوری، سازمان برنامه و بودجه، مرکز آمار ایران - (۱۳۹۶). *بررسی شاخص‌های عمده بازار کار در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۵*.
۳. گزارش مرکز آمار ایران - (۱۳۹۹). *بررسی سهم زنان در اشتغال مزد و حقوق‌بگیری در ایران*.

د) وبگاه

۱. قانون درباره خدمت نیمه‌وقت بانوان، وبگاه وزارت کار، رفاه و امور اجتماعی، <https://mdr.mcls.gov.ir/fa/hr/personeli/personelinimevaghtebanovan>
۲. اطلاعیه سازمان سنجش در تاریخ ۱۳۹۵/۶/۷، <http://sanjesh.org/Print.aspx?id=4675>.
۳. *زنان ایرانی چقدر و چطور شاغل‌اند؟ خبر آنلاین*، ۲۶ مرداد ۱۳۹۵، <https://www.khabaronline.ir>.
۴. *سهم زنان از فرمانداری‌ها و بخشداری‌ها چقدر است؟ دی ۱۳۹۴*، <https://www.isna.ir>.
۵. *الزام کارفرمایان به «کاهش ساعت کار» بانوان دارای شرایط خاص، خبرگزاری مهر*، ۱۵ دی ۱۳۹۷، <https://www.mehrnews.com>

۶. چرا قانون کاهش ساعت کار بانوان اجرا نمی‌شود؟ مشرق ۳ آبان ۱۳۹۶، <https://www.mashregnews.ir>
۷. استیفای حقوق شرعی زنان، مورد تاکید دولت است / استفاده از ظرفیت‌های بومیای فقه در پیش برد حقوق زنان، خبرگزاری ایگنا، ۱۵ مهر ۱۳۹۴، <https://iqna.ir>
۸. اجتهاد بویا نقش تعیین‌کننده‌ای در بازخوانی نقش زنان در جامعه دارد، خبرگزاری آنا، ۱۲ خرداد ۱۳۹۴، <https://ana.press>
۹. سازمان ملل، زنانه شدن فقر، ویکی پدیا، آخرین ویرایش در ۱۸ اکتبر ۲۰۱۹، <https://fa.wikipedia.org>
۱۰. بحران افزایش دختران مجرد در چرخه زنان سرپرست خانوار / باید راه حمایت از زنان را به درستی بشناسیم، خبرگزاری برنا، ۱۹ اسفند ۱۳۹۸، <https://www.borna.news>
۱۱. دیه زن و مرد برابر شد، خبرگزاری ایرنا، چهارشنبه ۱۲ تیر ۱۳۹۸، <https://www.irinn.ir>
۱۲. مولودری: هدف ما در بحث خروج زنان از کشور، تنها اصلاح قانون گذرنامه است، عصر ایران، ۱۵ مهر ۱۳۹۴، <https://www.asriran.com>

ه) منابع مورد استفاده در فرآیند تحلیل مضمون

۱. خبرگزاری آفتاب، <https://aftabnews.ir>
۲. پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، <http://dolat.ir>
۳. وبسایت رسمی معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، <https://women.gov.ir>
۴. خبرگزاری ایرنا، <https://www.irna.ir>
۵. خبرگزاری ایسنا، <https://www.isna.ir>
۶. خبرگزاری فارس، <https://www.farsnews.com>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی